نقد و بررسی
اندیشه های محققان و مورخان
مذاهب اسلامی درباره
قیام امام حسین علیه السلام

هادی مروی


بسم الله الرحمن الرحیم

نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

هادی مروی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین

مشخصات کتاب

نویسنده : هادی مروی

ناشر : هادی مروی

نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین

الحمدلله رب العالمین و الصلاه و السلام علی خاتم المرسلین حبیب اله العالمین اباالقاسم المصطفی محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطاهرین ثم السلام علی المهدی الذی وعد الله عزوجل به الامم ان یجمع به الکلم ویلم به الشعث و یملأ به الارض قسطا و عدلا و یمکن له و ینجز به وعد المؤمنین.قال الله العظیم فی کتابه الکریم: و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا و او حینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلاه و ایتاء الزکوه و کانوا لنا عابدین.فرا رسیدن میلاد سیدالشهدا حضرت ابا عبدالله سلام الله را، که به نام روز پاسدار نیز نامیده شده است، به محضر مقدس حضرت ولی عصر امام زمان ارواحنا له الفدا، مقام معظم رهبری و به حضور همه شما برادران بزرگوار و خواهران ارجمند تبرک و تهنیت عرض می کنم. بحثی را که برادران به اینجانب واگذار فرموده اند خیلی فشرده تقدیم حضورتان می کنم. موضوع درباره بررسی نهضت سیدالشهدا از دیدگاه مورخان اهل سنت است و من اجازه می خواهم بر این عنوان، یک کلمه ای را هم اضافه کنم و بگویم دیدگاه مورخان و محققان اهل سنت، چون بعضی از محققان اهل سنت، گرچه مورخ نیستند، نظریات تحقیقی بسیار جالبی ابراز داشته اند که دریغم می آید آنها را نقل نکنم.در آغاز، مقدمه کوتاهی را عرض می کنم. اصولاً مورخان عامه به اعتبار ارتباط نزدیکی که بیشترشان با دربارهای ظلم و جور داشته اند در لابلای تواریخشان دفاع نامعقول از حکام جور پیداست. این مورخان گاهی چیزهایی می گویند که با هیچ مبنایی از مبانی تاریخی جور در نمی آید؛ در رأس اینها ابن خلدون است. ابن خلدون

مورخی است که تاریخ را همراه با تحلیل و با فلسفه تاریخ نوشته و قبل از او کسی ظاهرا این کار را نکرده است. او در رشته های دیگر علمی بویژه در رشته به اصطلاح امروز جامعه شناسی نیز اطلاعاتی داشته است. کتاب مقدمه ابن خلدون مقدمه ای بر تاریخ معروفش به نام العبر است. این مقدمه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده و از اهمیت خاصی برخوردار است. با این همه این شخصیت به خاطر تأیید زیادی که از حکومت فاطمیان در مصر می کرد عجیب حالت دفاعی از خلفای جور گرفته به این دلیل که خلفای جور، علویین را می کشتند، فرزندان حضرت زهرا (س) را می کشتند، یک دفاعی کرده از هارون که نمی خواهم وارد این قضایا بشوم ولی این کلمه را ناچار بگویم، هارونی که خود مورخان دیگر اهل سنت دادشان از دست او در آمده، جلال الدین سیوطی، این نابغه دنیای عامه، مورخ، ادیب، محدث، مفسر، کتابی دارد به نام تاریخ الخلفا؛ در آنجا می گوید: «هارون الرشید بعد از مرگ پدرش تصمیم گرفت با نامادریش ازدواج کند. به همین جهت از عالم وقت، ابویوسف، اجازه خواست. او گفت ای خلیفه این صریح قرآن است که حرام است، «و لا تنکحوا ما نکح آبائکم» حق ندارید با زن پدرتان یا منکوحه پدرتان ازدواج کنید؛ این صریح قرآن است، نکند این کار را بکنید. گفت: من می دانم اما به تو پناه آوردم فتوا بر جواز این کار را می خواهم. او وقتی پی برد که هارون بر این قضیه مصر است، برای هارون به تنهایی فتوای جواز داد؛ یعنی خلاف نص قرآن مجید. آن هم به نقل جلال الدین سیوطی علامه بزرگ

دنیای عامه در کتاب تاریخ الخلفأ. آن وقت آقای ابن خلدون می گوید هارون نماز شبش ترک نمی شد. لابد جزء مستغفرین بالاسحار بوده. معلوم است وقتی که تاریخ تحت تأثیر این گونه تعصبها نوشته شود، هرگز آیینه و بازگوکننده وقایع نخواهد بود.ما وقتی به نظریات محققان و مورخان عامه مراجعه می کنیم، می توانیم مجموعهنظریات آنها را در چند دسته خلاصه کنیم. عده ای که البته تعدادشان انصاف می دهیم در میان مورخان و علمای اهل سنت بسیار کم است، اینها با دیدی نادرست به نهضت حسینی نگریسته اند و در نتیجه قیام امام حسین را تخطئه کرده اند. یکی همین آقای ابن خلدون و دیگری که در این زمینه تندتر از وی رفته قاضی ابوبکر ابن العربی است. البته می دانید وقتی که کلمه ابن العربی گفته می شود، ذهنها سراغ محی الدین عربی، آن عارف معروف می رود. ما دو تا ابن العربی داریم یکی صاحب کتاب العواصم و القواصم که همین عالم بسیار متعصب ضد شیعی است. به این می گویند ابن العربی، الف و لام می آورند برایش؛ یکی آن عارف معروف محی الدین صاحب کتاب فصوص، و فتوحات مکیه که به او می گویند ابن عربی، بدون الف و لام ابن العربی سخیفترین نظر را در مورد نهضت امام حسین (ع) بیان کرده است که خوشبختانه خود بزرگان اهل سنت بیشترین نقد را بر نظریات این مرد کرده اند. من اجمالی از نظریات ایشان را عرض می کنم. بعد نظر یکی از محققان مصر را هم برایتان عرض می کنم که ببینید خود اینها آمده اند و این نظریات را رد کرده اند؛ یعنی می خواهند بگویند که این جور نیست که دنیای اهل سنت این نظریات را بپذیرد. ابن العربی در کتاب

العواصم می گوید: اگر ما بخواهیم واقعا زمین را از لوث جنایات یزید پاک کنیم، باید بدانیم با ریختن خون امام حسین مصیبتی را ایجاد می کنیم که هیچ چیزی نمی تواند آن را جبران کند. البته در واقع می خواهد بگوید خون امام حسین خیلی عزیز و خیلی پاک است و این خون باید در عروق امام حسین بگردد و جهان اسلام از امام حسین (ع) استفاده کند. اما تحلیلش این است که می خواهد در واقع بگوید که نباید امام حسین برای اینکه جلوی جنایات یزید گرفته شود برود خونش را بریزد. مصیبت ریخته شدن خون امام حسین بالاتر از آن فجایع یزید است، اگر همین مقدار را گفته بود خوب یک مقداری انتقادات به او تخفیف پیدا می کرد. اما اینجا آمده دفاع کرده از کشندگان و از قاتلان امام حسین و بدترین نوع دفاع را کرده است و می گوید که: و ما خرج احدا الا بالتأویل. می گوید هیچکس، خروج نکرد حسین و در مقابل حسین نایستاد مگر اینکه شناختش از اسلام و اجتهادش از دین این بود که باید؛ حسین مقابله کند؛ یعنی تمام کسانی که آمده اند مقابل سیدالشهدا اینها متأول بوده اند. کلمه تأویل در صدر اسلام کلمه ای نوعا معادل اجتهاد است. وقتی می خواستند بگویند مجتهد، می گفتند متأول.می گوید ما خرج احد الا بالتأویل. کلمه تأویل را باید در نظر بگیریم تا این معنا روشن بشود. می گوید هر کس آمد تأویل کرد یعنی اجتهاد کرد. دید نباید حسین در مقابل یزید بایستد ولو یزید فاسد باشد، ولو یزید پلید است و لا قاتلوا الا بما سمعوا من جده المخبر بفساد الحال المخدر من الدخول فی الفتن. می گوید نیامد

کسی در مقابل امام حسین الا اینکه تأویل و نظر اجتهادیش این بود و نیامد کسی مگر به خاطر آن گفته هایی که از پیغمبر رسیده بود که وارد فتنه نشوید؛ یعنی با حکام ظلم مبارزه نکنید. مردم اینها را از پیغمبر شنیدند که آمده اند در مقابل امام حسین فرزند پیغمبر ایستادند و اقواله فی ذالک کثیره پیامبر در این باره مطالبی زیادی فرموده اند از جمله پیامبر فرموده اند: فمن اراد ان یفرق امر هذه الامه و هی جمیع فاضربوه بالسیف کائنا من کان. می گوید خود پیامبر فرموده که بعد از من مسائلی پیش می آید یعنی حکام ظلم می آیند، جنایاتی پیش می آید سپس هر کس بخواهد امت متحد اسلام را به تفرقه بکشاند او را بکشید، هر کس که می خواهد باشد.ابن العربی در واقع می خواهد بگوید که امام حسین آمده در سایه نهضتش امت واحد اسلام و متحد اسلام را دچار تفرقه کند و مردم به حکم روایت خود پیغمبر، باید فرزند پیغمبر را می کشتند.این تقریبا سخیفترین نظریه ای است که یک عالم بزرگ به نام قاضی ابن العربی در این باره اظهار کرده است. آثقای حسین محمد یوسف، نویسنده معروف مصر صاحب کتاب سید شباب اهل الجنه الحسین بن علی در نقد این نظریه می گوید که: خطا القاضی ابن العربی فی حکمه. قاضی ابن العربی در این نظریه راه نادرست رفته است. بعد چند قسمت از سخنان او را نقد می کند و من شاهدم اینجاست، چون این عبارت را خواندم، همین قسمت را می خواهم عرض بکنم. می گوید که ابن العربی می گوید کسانی که آمدند امام حسین را کشتند، اینها متأول بودند؟! اینها به استناد روایات خود پیغمبر

اکرم این کار را کردند؟ می گوید که این حرف آقای ابن العربی معنایش این است که ان الذین قاتلوا سید الشباب اهل الجنه و قتلوا و داسوا جده الشریف بسنابک الخیل کانوا من اهل العلم. باید خندید به این حرف ابن العربی. ابن العربی می خواهد بگوید کسانی که سید جوانان اهل بهشت را به شهادت رساندند و جسد شریف او را پایمال سم اسبان کردند، همه اهل علم بودند؟ اهل دانش بودند؟ اهل فضیلت بودند؟ الذین بلغوا مرتبه الاجتهاد، اینها به مرحله اجتهاد رسیده بودند حتی استطاعوا ان یتأولوا احادیث سید المرسلین بالتأویل الصحیح، اینها قدرت این را داشتند که بتوانند از احادیث پیامبر برداشت درستی بکنند و ابن العربی این را می گوید و حال اینکه بیشتر کسانی که در مقابل حسین بن علی آمدند و ایستادند، بیشتر از اراذل و اوباش بودند، انسانهای پستی بودند، افرادی که دنبال هر صدایی می دویدند، افرادی که به اندک چیزی دین خود را می فروختند. کسانی که آمدند مقابل سیدالشهدا ایستادند متأولین بودند؟! اینها اراذلی بودند که هیچ هدفی در زندگی نداشتند، تابع جو بودند، تابع غوغاها بودند. لیس فیهم صحابه جلیل می گوید در میان اینها یک صحابه جلیل پیدا نمی شود. خیلی بعید است در توصیف و تعریف عمرسعد که کسی بخواهد بگوید او اهل علم و اهل دین بوده، او عالم بوده، دیندار بوده. و انما کان جبارا جهولا ـ لا ـ دین له این رئیس آنهایی که آمدند امام حسین را کشتند یک مرد جبار نادانی که نه دین داشت و نه ارزشهای اخلاقی در وجودش حاکم بود؛ بعد می گوید کبار القتله کانوا من السفهاء الجهال، بزرگان کسانی که

آمدند، امام حسین را کشتند، سران این مردم، تمام از نادانان جاهل بودند، نه عقل داشتند و نه دین. بعد می گوید آقای ابن العربی شما می گویید احادیث پیغمبر نشان می دهد که باید هر کس در مقابل جریانات بایستد هر کس که باشد باید او را کشت؛ محاربه الحسین محاربه الله و رسوله جنگ، با حسین جنگ با خداست، جنگ با حسین جنگ با رسول خداست. اینجا هم یک فصل مشبعی می آورد از تجلیلی که پیامبر اکرم (ص) از سیدالشهدا فرموده اند. بعد سؤال می کند آیا احادیث پیامبر می گوید حسین را بکشید؟! بعد حدیثی نقل می کند و می گوید آقای ابن العربی از این حدیث استفاده می شود که حسین را باید کشت؟! امام بخاری بزرگترین محدث دنیای عامه صاحب کتاب صحیح نقل می کند انس بن الحارث می گوید خودم از پیامبر شنیدم اشاره کرد به امام حسین فرمود این پسر حسین یقتل بارض یقال لها کربلا این پسرم در سرزمینی کشته می شود که کربلا نامیده می شود فمن شهد ذالک منکم فلینصره هر کس که دید حسین در صحنه کربلا ایستاده باید برود و حسین را یاری کند. آیا پیامبر می گوید حسین را بکشید؟! قال فخرج انس بن الحارث الی کربلا راوی این حدیث بنا به نقل ابن مجر عسقلانی در کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه که این حدیث را از پیغمبر شنیده بود همراه امام حسین آمد و با امام حسین در کربلا کشته شد. پس چطور اینها آمدند از آن روایات پیغمبر اینجور فهمیدند؟ پیغمبر که صریحا دستور دفاع از امام حسین و کشته شدن در راه امام حسین را می دهد آن هم به نقل از امام بخاری.

بعـد آقـای حسـین محمـد یوسف یک فصل دیگری باز می کنـد تحت عنوان: اسـتنکار العلماء السـلف لرأی ابن العربی «علماء سلف و دانشـمندان بزرگ گذشـته همه با رأی ابن العربی مخالفند» بعد اسم می آورد حافظ سخاوی او می گوید با این نظر با رأی ابن العربی مخالفند» بعد اسم می آورد حافظ سـخاوی او می گوید با این نظر مخالف بود قول سخاوی را و اقوال دیگر را نقل می کنـد، سـپس به نقـد نظر ابن خلـدون می پردازد و می گویـد ابن خلدون هم آمده نظر ابن العربی را رد کرده، هر چند خود ابن خلـدون متأسـفانه بـاز در مقـام اظهـارنظر دچـار خطـای بزرگی شـده است و آن وقت شـروع می کنـد به حمله به ابن خلدون و می گوید: ان رأی الحسین بالخروج علی یزید، متعین من اجل فسقه، امام حسین عقیده اش این بود که یک راه بیشتر نیست و آن ایسـتادن در مقابل یزید است و راه دومی نیست. متعین، در مقابل یزید ایستادن است. این عقیده امام حسین بود، به این خاطر که یزید فاسق بود. و لا سیما من له قدره علی ذالک بخصوص اینکه کسی باید در مقابل یزدی بایستد که این قدرت را هم دارد.بعضـی دیگر از نویسـندگان و مورخان اهل سـنت مانند شیخ محمد خضری هستند که در مسأله نهضت امام حسین متعصبانه سـخن گفته اند. در کنار اینها هم محققان و مورخان اهل سـنت، نظریات بسـیار ارجمند و ارزشـمندی نقل کرده اند. یک نظر دیگری هم در مقام دفاع از امام حسین گفته شده ولی فکر نمی کنم با روح نهضت امام حسین سازگار باشد. عده ای معتقدند علت اینکه امام حسین به کوفه رفت و مکه را رها کرد این بود که

دیـد اگر در مـدینه بمانـد فرمانـدار بالاخره یا بر بیعت مجبورش می کند یا او را می کشد پس جایی برای ماندن امام در مدینه نبود. فخرج منهـا خائفـا یترقب آمـد مکه. در مکه هم یزیـد، اعوان و انصـاری را مخفیانه فرسـتاده بود که امام حسـین را در هر حـالی که بتواننـد پیـدا کننـد و به شـهادت برساننـد. امـام حسـین دیدنـد مکه هم جای امنی برای ایشان نیست. دیدنـد شـیعیان پـدرشان در کوفه هسـتند. گفتنـد پس من برای اینکه به دست یزید کشـته نشوم می روم در میان شـیعیان کوفه. منتهی شـیعیان کوفه پستی کردنـد، رذالت کردنـد و بـا یزیـد همـدستی کردنـد و به جـای اینکه امام را در قلب خودشان جای بدهنـد، امام را کشـتند و اینگونه از قضـیه می گذرند که امام حسـین برای فرار از شهادت آمد، هر چند قاتلان امام حسین را بشدت تقبیح می کنند و این با روح نهضت امام حسـین ناسازگار است.این سر بریده امام حسین این آیه شریفه را تلاوت می کند «ام حسبت ان اصـحاب الکهف و الرقیم کـانوا من ایاتنـا عجبـا» معـذرت می خواهم این را، اینجا در این سـمینار اسـتادان بزرگوار هم حضور دارند و یکی از مورخان بزرگ اسـلام هم در اینجا تشـریف دارند و من هم از حضور ایشان خیلی خوشحالم. اینجا یک جمله ای می خواهم عرض بکنم، داخل پرانتز، ربطی هم به بحثم نـدارد، اما حیفم می آیـد که نگویم. گاهی بعضـی می آینـد و می گویند آقا این سـر بریده امام حسـین کجا قرآن خوانده است، این را منابع صـحیح ننوشـته اند، این را نقلش نکنید. این را اتفاقا علاوه بر منابع شیعه منابع سنی هم نقل کرده اند. کتاب خصائص الکبری از

جلال الدین سیوطی همین جریان قرآن خواندن سر بریده را به سند معتبر نقل کرده است. پس این مسأله از چیزهایی نیست که کسی بخواهد انکارش بکند. حالا وارد این بحث نمی شوم این را برای بحث خودم گفتم. سر بریده سیدالشهدا این آیه را تلاوت می کند: ام حسبت ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من ایاتنا عجبا حال بفرمایید چه تناسبی دارد که این قضیه و این آیه؟ من فکر نمی کنم آیه ای مناسبتر از این آیه باشد، امام حسین (ع) مناسبترین آیه را قرائت فرموده و یکی از نشانه های حقانیت این قضیه همین آیه است. اگر می گفتند امام حسین (ع) آیه «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون» تلاوت کرده ممکن بود بگوییم که یک کسی آمده شرایط را این گونه دیده، آمده این را جعل کرده. خود این آیه نشان می دهد که باید سر بریده این آیه را خوانده باشد. «ام حسبت ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من آیاتنا عجبا» جوانان اصحاب کهف به قول معروف، دقیانوس پادشاه شهر افسوس اینها را خواست. چون این پادشاه آیین مسیحیت یورش آورده بود. تمام کلیساها را به بتکده تبدیل کرده بود. تمام مردم را هم در برابر بت به خضوع و بندگی کشانده بود. این چند نفر جوان زیربار نرفته بودند. اینها را خواست و گفت یک شب به شما مهلت می دهم. فردا یا مرگ را قبول می کنید یا بت پرستی را. رفتند فکر کردند. گفتند ما هرگز بت پرستی را که پیش نمی گیریم، پس چه کنیم، اگر بمانیم کشته می شویم. پس شهر را رها می کنیم که فردا به دست دقیانوس

کشته نشویم. می رویم طرف کوه و به غار پناه می بریم. «انهم فتیه امنوا بربهم و زدناهم هدی و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات و الارض لن ندعوا من دونه الها لقد قلنا اذا شططا» اینها آمدند و مصمم و محکم برای حفظ دینشان شهر ظالم را رها کردند و به غار رفتند که کشته نشوند. پس «ام حسبت ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من ایاتنا عجبا» خیال کردید این داستان عجیب است؟ نه، داستان کربلا عجیب است؛ اینها شهر ظالم را رها کردند که به دست ظالم گرفتار نشوند، اما ما مدینه و مکه را رها کردیم و رفتیم به سوی شهر ظالم، ما رفتم برای اینکه با ظالم بستیزیم. حرکت امام حسین یک حرکت تهاجمی بود، نه یک حرکت دفاعی. هیچ ارتباطی این حرکت به درخواست بیعت یزید ندارد. ممکن است بگوییم، بیعت این قیام و این تهاجم را تسریع کرده باشد. حرکت امام تهاجمی است من رأی سلطانا جائرا یعمل فی العباد بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حق علی الله ان یدخله مدخله. امام مغیر است، استناد خود امام بر این روایت پیامبر بود، امام برای دگرگون کردن اوضاع آمده و یک حرکت تهاجمی آغاز کرده است. آقای محمد حسین یوسف آیا امام حسین (ع) برای اینکه دید اگر مدینه بماند کشته می شود و مکه هم بماند کشته می شود به کوفه رفت؟ پس این همه سخنانی که امام حسین از شهادت می فرمود چه بود؟ مگر انسان می تواند چشمش را بر روی همه حقایق تاریخ ببندد. امام حسین (ع) هنگام حرکت چه فرمود.

الا و من کان باذلا مهجته فینا و موطنا نفسه للقاء الله فلیرحل معنا فانی راحل مصبحا ان شاء الله تعالی. می گوید برادران و یاران من هر کس که آماده فداکاری است، می خواهد خون قلبش در راه خدا ریخته شود و نفسش را آماده کرده برای چشیدن طعم مرگ، او با من بیاید. آیا امام حسین (ع) رفت مکه که کشته نشود؟ ما از این بعد که اینها حرکت یزید را تقبیح می کنند آنها را تقدیس می کنیم. این گروه نگفتند قاتلان امام حسین (ع) بر اساس اجتهادشان امام حسین را کشتند. اما از این طرف نتوانستند به واقعیت نهضت امام حسین (ع) برسند. اما بعضی هایشان رسیدند مثل عباس محمود عقاد در کتاب ابوالشهدا الحسین بن علی. البته نمی خواهم بگویم این کتاب خالی از نظریات انتقادی است؛ باید چند جایش نقد بشود. اما انصاف این است که بسیار زیبا تحلیل کرده است و می گوید امام حسین در برابر یک فرد فاسقی قرار گرفته بود که هیچ ارزشی از ارزشهای اخلاقی در وجود اوحاکم نبود. هیچ خیری در وجود او نبود. تمام خطوط چهره یزید را پلیدی، فساد، شرابخوارگی و امثال اینها تشکیل می داد. امام حسین (ع) یا باید در برابر این شخص سکوت بکند و یا در برابر او قیام بکند. سکوت جایز نیست، چون سکوت تأیید یزید است. باید امام علیه برج و باروی این نظام پلید یزیدی برآشوبد و برشورد و این نظام را دگرگون بکند. بعد عقاد تعبیرات عاشقانه و زیبایی در مورد امام حسین (ع) می کند. می گوید شما خیال می کنید که امام حسین (ع) شکست خورد، نه، امام حسین (ع) پیروز شد.

مزارش را ببینـد، مشـهدش را ببینـد. فهی الیوم مزار یطاف به المسـلمون، مزار امام حسـین کعبه است که عاشـقان و آرزومندان اطراف این مزار، مثل کعبه می گردنـد و طوافش می کننـد. و من حقه این یطوف به کل انسان نه هر مسـلمانی بلکه هر انسانی شایسـته است که اطراف کعبه مزار حسین برود طواف کند، اطراف آن کعبه بگردد. می گوید آسمان سایه نیفکند بر سرزمینی که مقـدستر باشـد از این سـرزمینی که حسـین در این سـرزمین کشـته شـد. زیباترین نقطه ای که خورشـید بر آن می تابـد. این جایگاهی است که پیکرهای شـریف حسـین (ع) و سایر شهدا و یاروان حسین در آنجا قرار دارد. آخرین جمله ام در اینجا قول آقای عبدالله علائلی، از محققان و لغت شـناسان و مورخان دقیق دنیای اهل سـنت است. کتابی راجع به حضـرت خدیجه نوشته چقدر زیبا. کتابی درباره تاریخ امام حسـین (ع) دارد که سه جلد است در یک جلد. اصلا اسم کتاب را ببینید، یکی از این سه جزوه اسـمش این است سـمو المعنی فی سـمو الـذات. اینقـدر ادیبـانه نوشـته است. واقعا باور بفرماییـد یک صـفحه اش را آدم بخواهـد بخوانـد ده بار بایـد به کتاب لغت مراجعه بکنـد. این قدر زیبا، اینقدر عالی، خلاصه حرفش این است، در یک جا می گویـد: دو هجرت در تاریـخ اسـلام واقع شـد، یکی هجرت پیغمبر (ص). این هجرت نتیجه اش چی بود؟ هدف هجرت پیغمبر احداث البناء بود، ساختمان اسـلام را ایجاد نمود دومین هجرت، هجرت حسـین بن علی (ع) بود. این هجرت، غایتش المحافظه علی البناء بود؛ یعنی امام حسین (ع) برای اینکه از ساختمانی که پیغمبر آن را تأسیس کرده بود، نگهداری کند، قیام

فرمود.و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹